

بندهای درس نویسندگی بزرگ

درس یازدهم

نویسنده‌ی بزرگ

۱ حاتم طایی را گفتند: «از خود بزرگ

همت‌تر در جهان دیده‌ای یا شنیده‌ای؟»

۲ گفت: «بلی؛ یک روز چهل شتر،

قربانی کرده بودم آنرا برای عرب‌ها؛ و خود به

گوشه‌ی صحرا، به حاجتی بیرون رفتم. خارگنی

را دیدم، پشته فراهم نهاده.»

۳ گفتم: «به مهمانی حاتم چرا زوی؛ که

خلقی بر سیماط او، گرد آمده‌اند؟»



ادامه بند های درس نویسنده ی بزرگ



۴ گفت:

«هر که نان از عمل خویش خورد

منت حاتم طایی نبرد»

۵ من او را به همت و جوان مردی از خود، برتر دیدم.

۶ حکایتی که خواندید، از کتاب «گلستان» سعدی است. سعدی اهل شیراز بود. او دوران کودکی و نوجوانی را در شیراز گذراند؛ اما پس از آن به سفر رفت تا چیزهای بیشتری یاد بگیرد. ابتدا به بغداد رفت و در آنجا، تحصیلات خود را ادامه داد. بعد به جاهای دیگر مانند سوریه، لبنان و روم رفت. همچنین، برای زیارت خاندی خدا، به مکه سفر کرد. سرانجام پس از سی و پنج سال سفر، به شیراز برگشت و از خاطراتش، حکایت‌ها و شعرها نوشت. حاصل آن، دو کتاب با ارزش «گلستان» و «بوستان» است. این کتاب‌ها از افتخارات فرهنگی و ادبی ما ایرانیان هستند.

۷ سعدی با قرآن و احادیث نیز آشنایی کامل داشت. مردم کشور ما، از گذشته تاکنون، با آثار سعدی آشنا هستند و در سخن گفتن، از جمله‌های بسیار زیبای او استفاده می‌کنند. بسیاری از مردم دنیا نیز، آثار او را می‌خوانند و به آن‌ها علاقه دارند.

۸ اگر روزی به شیراز رفتی، حتماً به دیدن آرامگاه این نویسنده و شاعر بزرگ، برو.

درست و نادرست

۱ خارکن به مهمانی حاتم طایی رفت.

۲ حاتم طایی مردی سخاوتمند و بخشنده بود.